

سبک‌های هویت، تعهد و خردمندی در حل مسئله زندگی واقعی

سهیلا هاشمی

عضو هیئت علمی گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه مازندران soheilhashemi@yahoo.com

چکیده

هویت یابی بعنوان یک تجربه رشدی در طول دوره نوجوانی مستلزم برخی آمادگی‌های روان‌شناختی از جمله اکتساب قابلیت‌های شناختی سطح بالا می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی سبک‌های هویت دانشجویان و رابطه آن با خردمندی در حل مسائل زندگی واقعی انجام شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۱۳۱ دانشجوی دختر و پسر از سه گروه تحصیلی فنی-مهندسی، هنر و معماری و علوم اجتماعی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سبک هویت برزونسکی و مصاحبه دانش مرتبط با خردمندی پارادایم برلین جمع‌آوری گردید. نتایج نشان داد بین خردمندی و سبک سردرگم/اجتنابی همبستگی منفی و بین خردمندی و تعهد هویت همبستگی مثبت وجود دارد. دانشجویان فنی-مهندسی در سبک هنجاری با دانشجویان علوم اجتماعی و در تعهد هویت با دانشجویان هنر و معماری و علوم اجتماعی تفاوت معنادار داشتند. بین دانشجویان دختر و پسر در سبک‌های هویت و تعهد هویت تفاوت معنی‌داری وجود نداشت اما در خردمندی بین آن‌ها تفاوت معنی‌دار مشاهده گردید. بنظر می‌رسد سبک سردرگم/اجتنابی بدلیل کارکرد غیرانطباقی آن در مواجهه با تعارضات و مسائل ماهیتا نمی‌تواند همبسته عملکرد خردمندانه در حل مسائل باشد و خردمندی نیز بدلیل ماهیت و کارکرد آن در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های درازمدت و حفظ مصالح جمعی می‌تواند بعنوان همبسته تعهد هویت لحاظ گردد.

کلیدواژه‌ها: هویت؛ حل مسئله؛ خردمندی؛ تعهد

مقدمه

براساس الگوی ساخت هویت برزونسکی (۱۹۹۴ به نقل از ماشمن، ۲۰۰۵) هویت نظریه‌ای در مورد خود است. نظریه پردازان در مورد خود و هویت به معنای جمع‌آوری و خلاصه کردن ساده داده‌ها و آزمون پیش‌بینی‌ها نمی‌باشد بلکه فرآیند فعال تفسیر تجارب خود و تجربه‌های جدید است. در این راستا سه سنخ نظریه پردازان خود قابل‌شناسایی است: (۱) سبک اطلاعاتی (۲) سبک هنجاری و (۳) سبک سردرگم و اجتنابی. علاوه بر سبک‌های هویت، تعهد یکی از دستاوردهای فرایند شکل‌گیری هویت است که با نوعی التزام به ارزش‌های اخلاقی و انسانی که ماهیتی جهانی دارد همراه می‌باشد.

حل موفقیت‌آمیز بحران هویت یابی به عنوان یکی از چالش‌های رشدی مستلزم سطحی از ظرفیت‌های شناختی از جمله خردمندی است. استادینگر، بالتس و اسمیت (۱۹۹۴) در چهارچوب پارادایم برلین معتقدند، افراد صرفنظر از دوره سنی که عموماً از نوجوانی یا پس از آن آغاز می‌شود باید جهت مواجهه با بحران‌ها و چالش‌های پیچیده زندگی واقعی با برخورداری از (۱) دانش غنی در مورد واقعیت‌های زندگی، (۲) دانش روشی غنی، (۳) زمینه‌گرایی طول عمر، (۴) نسبی‌گرایی ارزش‌ها و (۵) دانش در مورد عدم قطعیت رخدادهای زندگی به حل خردمندانه بحران‌ها و مسائل بپردازند. بدلیل همسویی مفهومی و نظری دو مقوله هویت و خردمندی و نبود مطالعه پژوهشی در این زمینه (ریچاردسون و پاسپاتی، ۲۰۰۵) در این پژوهش قصد بر این است رابطه بین سبک‌های هویت و میزان تعهد دانشجویان و خردمندی آن‌ها در حل مسائل زندگی واقعی مورد بررسی قرار گیرد.

روش

شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان رشته فنی - مهندسی، هنر و معماری و علوم اجتماعی دانشگاه مازندران است که دو سال از مدت تحصیل شان می‌گذرد. از آنجا که طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است و در برآورد همبستگی حداقل حجم نمونه بین ۳۰-۵۰ نفر برای بیان رابطه ضروری است، در این پژوهش مبنای انتخاب تعداد نمونه ۵۰ نفر لحاظ شد. بنابراین از هر گروه تحصیلی فوق‌الذکر تعداد ۵۰ نفر شرکت‌کننده دوره کارشناسی با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردیدند. بدلیل عدم همکاری برخی از افراد نمونه جهت شرکت در مصاحبه خردمندی نمونه از ۱۵۰ نفر به ۱۳۱ نفر کاهش یافت که از این تعداد ۴۵ نفر در گروه فنی - مهندسی، ۴۲ نفر در گروه هنر و معماری و ۴۴ نفر در گروه علوم اجتماعی (۵۵ مورد مرد و ۷۶ مورد زن) نمونه پژوهش را تشکیل می‌دهند.

ابزار

پرسشنامه سبک هویت: این پرسشنامه مشتمل بر ۴ گویه است که به منظور ارزیابی جهت‌گیری یا سبک هویت افراد توسط برزونسکی، (۱۹۸۹) به نقل از برزونسکی و آدامز، (۱۹۹۹) تدوین شده است. این آزمون که از ۴ خرده‌مقیاس تشکیل شده است، سه سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی و همچنین میزان تعهد را مورد سنجش قرار می‌دهد. گویه‌ها روی مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای کاملاً مخالفم (۱)، تا حدودی مخالفم (۲)، مطمئن نیستم (۳)، تا حدودی موافقم (۴) و کاملاً موافقم (۵) نمره‌گذاری می‌شوند. برزونسکی (۲۰۰۰) ضریب آلفای کرونباخ را برای سبک اطلاعاتی ۰/۷۱، برای سبک هنجاری ۰/۶۰ و برای سبک سردرگم / اجتنابی ۰/۷۵ گزارش کرده است (پیری، شهرآرای، ۱۳۸۴). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای سبک اطلاعاتی ۰/۶۳، سبک هنجاری ۰/۵۶، سردرگم / اجتنابی ۰/۶۶ و میزان تعهد ۰/۶۳ برآورد گردید و برای اعتبارکل آزمون ضریب آلفای ۰/۷۱ بدست آمد.

خردمندی: خردمندی در قالب مسئله برنامه‌ریزی زندگی براساس پارادایم خردمندی برلین ارزیابی شد (استادینگر، بالتس و اسمیت، ۱۹۹۴). از شرکت‌کنندگان خواسته شد براساس یک مسئله فرضی در ارتباط با برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلندمدت برای زندگی یک شخص فرضی به ارائه راه حل و تصمیماتی واقع‌گرایانه دست زنند. نمره‌گذاری مصاحبه‌ها براساس پنج شاخص دانش مرتبط با خردمندی پارادایم برلین انجام شده است. ۱) دانش واقعی غنی در مورد تجارب زندگی، ۲) دانش روندی غنی درباره چگونگی پرداختن به مسائل و چالش‌های زندگی، ۳) درک زمینه‌های زندگی و روابط زمانی آن‌ها، ۴) نسبی‌گرایی ارزش‌ها و دوری جستن از جزم‌اندیشی در تصمیم‌گیری و ارائه راه حل و ۵) دانش در مورد عدم قطعیت زندگی، یا پذیرش غیرقابل پیش‌بینی بودن زندگی. پاسخ‌ها روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای از بسیار ضعیف (۱)، متوسط (۴) تا بسیار قوی (۷) رتبه‌بندی می‌شوند. میانگین نمرات حاصل در هر شاخص بعنوان نمره نهایی خردمندی محسوب گردید. در این پژوهش اعتبار آزمون خردمندی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ بدست آمد.

شیوه اجرا: ابتدا پس از جلب همکاری شرکت‌کنندگان در زمان از پیش تعیین شده و توافق شده مصاحبه خردمندی بطور انفرادی اجرا شد. ابتدا مصاحبه شونده می‌بایست مسئله موردنظر را با صدای بلند بخواند و به هنگام تفکر و حل مسئله با صدای بلند فکر کند. پس از تفکر با صدای بلند و حل مسئله به منظور اطمینان از اعتبار گزارش کلامی از مصاحبه شونده خواسته شد گام‌های اصلی فرایند حل مسئله خود را به یاد آورد و آن را به ترتیب بیان کند. سپس به منظور کسب اطلاعات بیش‌تر از افکار آزمودنی، در انتها تعدادی پرسش استاندارد شده براساس پارادایم برلین مطرح شد تا به تکمیل داده‌های حاصل در خصوص جریان تفکر مصاحبه شونده کمک کند. پس از انجام مصاحبه‌ها پرسشنامه سبک‌های هویت در بین شرکت‌کنندگان توزیع و پس از ۳ روز جمع‌آوری گردید.

نتایج

جدول ۱. ماتریس همبستگی سبک‌های هویت، میزان تعهد و خردمندی

انحراف استاندارد	میانگین	۵	۴	۳	۲	۱	
۵/۰۹	۳۸/۶۷	۰/۱۲	۰/۲۵**	۰/۰۵	۰/۳۸**	۱	۱ جهت گیری اطلاعاتی
۴/۷۲	۳۱/۲۶	۰/۱۳	۰/۵۵**	۰/۰۵	۱		۲ جهت گیری هنجاری
۵/۷۸	۲۶/۹۲	-۰/۲۱**	-۰/۳۴**	۱			۳ جهت گیری سردرگم / اجتنابی
۵/۴۱	۳۶/۶۴	۰/۲۹**	۱				۴ میزان تعهد
۳/۰۶	۸/۲۱	۱					۵ خردمندی

**P<0/01

*P<0/05

نتایج تحلیل واریانس نشان داده است سه گروه تحصیلی فنی-مهندسی، هنر و معماری و علوم اجتماعی در جهت گیری هنجاری در سطح $P<0/01$ و $F(4/444)$ تفاوت معنی دار وجود دارد. همچنین بین میانگین میزان تعهد سه گروه تحصیلی مورد نظر در سطح اطمینان $P<0/05$ و $F(3/331)$ تفاوت معنی دار وجود دارد. در حالیکه درجهت گیری اطلاعاتی و جهت گیری سردرگم/اجتنابی با توجه به سطح معنی داری حاصل از آزمون F به ترتیب $(P<0/106)$ و $(P<0/857)$ بین سه گروه تحصیلی مذکور تفاوت معنی دار مشاهده نگردید. نتایج آزمون تعقیبی شفه حاکی از آن است بین میانگین گروه تحصیلی فنی-مهندسی و علوم اجتماعی در جهت گیری هنجاری در سطح $P<0/05$ تفاوت معنی دار وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون دانکن حاکی از آن است میانگین گروه تحصیلی فنی-مهندسی با میانگین گروه تحصیلی هنر و معماری و علوم اجتماعی در میزان تعهد در سطح $P<0/05$ تفاوت معنی دار دارد.

دو گروه دانشجویان زن و مرد در جهت گیری اطلاعاتی $(P<0/83)$ و $(t=-1/75)$ ، جهت گیری هنجاری $(P<0/058)$ و $(t=-1/913)$ ، جهت گیری سردرگم/اجتنابی $(P<0/335)$ و $(t=0/968)$ و میزان تعهد $(P<0/643)$ و $(t=-0/465)$ با هم تفاوت معنی دار ندارند.

نتایج تحلیل واریانس خردمندی نشان داده است F حاصل $(0/70)$ در سطح $(P<0/932)$ معنادار نمی باشد. بنا براین سه گروه تحصیلی مورد نظر در خردمندی با هم تفاوت معنادار ندارند. نتایج حاصل از آزمون یومن وتینی نشان داده است میانگین رتبه خردمندی دانشجویان زن $(71/41)$ از میانگین رتبه خردمندی دانشجویان مرد $(58/53)$ بالاتر است و این تفاوت در سطح $P<0/05$ معنی دار می باشد.

بحث

همانطور که یافته‌های پژوهش نشان داده است، بین سبک هویت سردرگم / اجتنابی و خردمندی همبستگی منفی وجود دارد. بالتس، اسمیت و استادینگر (۱۹۹۰، ۲۰۰۰ به نقل از کانزمان و بالتس، ۲۰۰۵) خردمندی را مشتمل بر دانش در مورد جنبه‌های شناختی، انگیزشی و هیجانی می‌دانند که در حیطه‌های خاص کارکرد انطباقی دارد. در حالیکه سبک هویت سردرگم / اجتنابی با نوعی عدم ثبات در ساختار هویت و اجتناب از حل تعارضات و تصمیم‌گیری و عدم انطباق دراز مدت در طول زمان همراه می‌باشد. لذا این ویژگی می‌تواند گواه و تبیینی بر وجود رابطه معکوس بین خردمندی و سبک سردرگم / اجتنابی باشد. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نمایانگر همبستگی بین تعهد و خردمندی می‌باشد. اریکسون (۱۹۶۸ به نقل از کروگر، ۲۰۰۰) خردمندی را به عنوان بخشی از شخصیت می‌داند، او معتقد است رشد شخصیت نیازمند کسب و حل یک سلسله تعارض‌های روانی - اجتماعی در هر مرحله‌ای از زندگی است. هویت‌یابی، مرحله‌ای از تعارض‌های روانی - اجتماعی در دوره نوجوانی است که حل آن‌ها مستلزم اتخاذ رویکردی کاوشگرانه در امکانات اجتماعی و توانایی‌های فردی است تا از رهگذر آن تعهد روان‌شناختی عمیق و معنی‌دار شکل گیرد. برحسب دیدگاه او استفاده از شیوه‌های حل غیرانطباقی بدون لحاظ نمودن مصلحت فردی و هنجارهای اجتماعی حرکت به سمت ساخت هویتی است که می‌تواند ناخوشایند و حتی خطرناک هم باشد. لذا فرارفتن از علائق خودخواهانه و خودمحورانه بخشی از فرآیند هویت‌یابی است که می‌تواند با تعهد و خردمندی فرد در ارتباط باشد.

همچنین یافته‌های نشان داده گروه تحصیلی فنی و مهندسی در سبک هویت هنجاری با دانشجویان علوم اجتماعی تفاوت معنی‌داری دارد و در میزان تعهد نیز بین دانشجویان گروه تحصیلی فنی - مهندسی با دانشجویان علوم اجتماعی و هنر و معماری تفاوت معنی‌دار مشاهده گردید. در مرور مطالعات پژوهشی در زمینه سبک‌های هویت باستانی یک مورد (سراج خرمی، معظم فر، ۱۳۸۹) که تفاوت بین سبک‌های هویت را در گروه‌های تحصیلی فنی - مهندسی و علوم انسانی بررسی نموده است مطالعه‌ای در این زمینه مشاهده نگردید. یافته‌های سراج خرمی و معظم فر حاکی از آن بوده است که دانشجویان فنی - مهندسی در مقایسه با دانشجویان علوم انسانی میانگین نمرات بالاتری در سبک هنجاری داشتند که با یافته پژوهش حاضر همسو نمی‌باشد. بنظر می‌رسد تبیین یافته فوق مستلزم مطالعات بیشتر همراه با لحاظ نمودن متغیرهای تاثیرگذار می‌باشد.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داده بین دانشجویان زن و مرد در سبک‌های هویت و میزان تعهد هویتی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. یافته‌های پژوهشی در خصوص تفاوت زنان و مردان در سبک‌های هویت متفاوت است. برای مثال سوانسن، برزونسکی و همکاران (۲۰۰۵) دریافته‌اند زنان در سبک هنجاری نمرات بالاتری داشتند، در حالیکه در مطالعه دیگر برزونسکی (۲۰۰۸) دریافت زنان نسبت به مردان نمرات بالاتری در سبک اطلاعاتی داشته‌اند و مردان نمرات بالاتری در سبک سردرگم / اجتنابی کسب نمودند.

علیرغم تنوع یافته‌ها و دشواری تبیین تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت و تعهد هویت آنچه که به لحاظ نظری می‌توان در تفسیر یافته پژوهش حاضر عنوان نمود آن است، مرور ادبیات در خصوص شکل‌گیری هویت نشان می‌دهد تفاوت‌های جنسیتی در مقایسه با تغییرپذیری‌های بسیار درون هر گروه جنسیتی بسیار اندک است (ماشمن، ۲۰۰۵).

یافته‌های پژوهش در خصوص خردمندی حاکی از عدم تفاوت معنی‌دار گروه‌های تحصیلی مختلف در خردمندی است که همسو با یافته‌های پژوهش هاشمی (۱۳۹۰) مبنی بر عدم تفاوت معنی‌دار دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی در دانش مرتبط با خردمندی می‌باشد. تفاوت معنی‌دار بین دانشجویان دختر و پسر در خردمندی حاکی از آن است، دختران در مقایسه با پسران در حل مسئله بدساختار مرتبط با برنامه‌ریزی زندگی عملکرد خردمندانه‌تری نشان داده‌اند. بنظر می‌رسد آنچه را که می‌توان در تبیین یافته مورد نظر مورد توجه قرار داد ماهیت محتوایی مسئله ارائه شده در پژوهش می‌باشد. مسئله بدساختار برنامه‌ریزی زندگی به لحاظ محتوایی ترسیم‌کننده بحران بالقوه و پیامدهای آن در نهاد خانواده می‌باشد که با جهت‌گیری اخلاقی زنان در حفظ ارتباطات بین فردی و مسئولیت و توجه در قبال دیگران است همسو می‌باشد.

منابع

- پیری، لیلا و شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان سبک‌های هویت، ابزار وجود و سبک‌های مقابله. *مطالعات روان‌شناختی*، ۲ و ۱، ۳، صص ۵۴-۳۹.
- سراج خرمی، ناصر و معظم فر، فروزان. (۱۳۸۷). مقایسه تفکر انتقادی و سبک‌های هویت دانشجویان فنی - مهندسی با دانشجویان علوم انسانی. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۳، ۹، ۶۳-۷۷.
- هاشمی، سهیلا. (۱۳۹۰). بررسی خردمندی دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه در فرآیند حل مسئله و رابطه آن با باورهای معرفت‌شناسی. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۲، ۷، ۵۱-۸۰.
- Berzonsky, M.D & Adams, G.R. (1999). Revaluating the identity status paradigm: Still useful after 35 years. *Development Review*, 19, 557-590.
- Berzonsky, M.D. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44, 643-653.
- Kroger, J. (2000). *Identity development*. USA: Sage Publication.
- Kunzmann, U & Baltes, P. (2005). The Psychology of Wisdom. Theoretical and empirical challenges. In R.J. Sternberg and J. Jordan, *A Handbook of Wisdom*, USA. Cambridge University Press.
- Moshman, D. (2005). *Adolescent Psychological Development*. Hillsdale, NJ. Lawrence Erlbaum Associates.
- Richardson, M.J & Pauspathi, M. (2005). Young and growing wiser. wisdom during adolescence and young adulthood. In R.J. Sternberg and J. Jordan, *A Handbook of wisdom*. USA: Cambridge University Press.
- Soenens, B., Berzonsky, M.E., Vansteenkiste, M., Beyers, W & Goossens, L. (2005). Identity styles and causality orientations: In search of the motivational underpinnings of the identity exploration process. *European Journal of Personality*, 19, 427-442.
- Staudinger, U.M., Smith, J & Baltes, B. (1994). Manual for assessment of wisdom-related performance. *Technical Reports, Max Plunck institute for human development*.